

“میلتون فریدمن، گنجینه ملی”



بودجه یک شکل تغییر یافته و پنهان مالیات است. آنچه بار حقیقی را بر دوش جامعه سنگین می‌کند، هزینه‌هایی است که دولت انجام می‌دهد (و دیگران را مجبور به هزینه کردن می‌کند) وی در ادامه می‌گوید: “همانطور که بارها گفته‌ام، من دولتی را که یک تریلیون دلار هزینه می‌کند و نیم تریلیون دلار کسری دارد، به دولتی که دو تریلیون دلار خرج می‌کند اما کسری بودجه ندارد، ترجیح می‌دهم”

بحث اصلی فریدمن در دفاع از منافع جامعه، توسعه آزادی انسان بوده است. این موضوع، موضوع اصلی کتاب وی تحت عنوان “سرمایه‌داری و آزادی” و “آزادی انتخاب” را تشکیل می‌دهد. مباحثی نظیر مخالفت با کنترل اجاره، دستمزد عمومی و کنترل قیمت‌ها و حمایت از انتخاب فرهنگی، محدودیت در هزینه‌های دولت، خصوصی‌سازی تامین اجتماعی، آزادی تجارت و قانون‌زدایی از صنایع و زندگی خصوصی افراد در بهترین حد ممکن از موضوعات اصلی این کتاب است.

مردم به طور روز افزونی دریافته‌اند که دولت یک شفابخش مطلق برای همه دردها نیست. اقدامات دولت، با نیت خیرخواهانه، برای مقاصد مطلوب اغلب و نه عموماً، به بیراهه می‌رود و به جای نفع، به جامعه ضرر می‌رساند. جامعه ما عنقریب در دام شبکه قوانین پیچیده (مقررات) که به بیان توکوویل (Tocquville) ممکن است اثر اجتناب‌ناپذیر حرکات افراط آمیز به سمت استقرار برابری باشد، گرفتار می‌شود. بدون شک دلایل بسیاری بر فقدان آزادی وجود دارد اما مطمئناً دلیل اصلی و عمده آن رشد دولت و افزایش نقش کنترل‌کننده آن بر زندگی ماست. امروزه دولت بطور مستقیم و یا غیرمستقیم مصارفی را کنترل می‌کند که

افتخاری متعددی نیز از دانشگاه‌های سراسر جهان دریافت داشت. (برای اطلاعات بیشتر در مورد میلتون فریدمن به سایت موسسه هوور مراجعه کنید).

دکتر فریدمن از حامیان و طرفداران دولت محدود بود. وی به ضرب المثلی که می‌گوید “دولت بهتر دولتی است که کمتر حکومت کند” اعتقاد داشت. به باور وی، دولت دارای سه وظیفه اصلی است: فراهم‌سازی و آمدگی برای دفاع نظامی از ملت، لازم‌الاجرا ساختن قراردادهای بین افراد و محافظت و حراست از حقوق شهروندان در مقابل جرایم علیه آنان و یا اموالشان.

“هنگامی که دولت با حسن نیت تلاش می‌کند اقتصاد را آرایش مجدد دهد و یا برای اخلاقیات قانون وضع کند و یا از منافع ویژه‌ای حمایت نماید، هزینه‌های ناکارآمدی، نبود تحول گرایی و فقدان آزادی افزایش می‌یابد. دولت باید یک داور باشد نه یک بازیگر. در ایالات متحده دولت از این اصول فراتر رفته است.”

در خصوص کسر بودجه و مصارف دولت، فریدمن می‌گوید: به نظر من آنچه مهم است، کاهش هزینه‌های دولت است گرچه این هزینه‌ها تامین مالی شده باشند. کسر

آقای Michael Hodges یک شهروند آمریکایی فارغ‌التحصیل رشته فیزیک و یک مدیر بازرگانی بازنشسته بود که از سعادت ارتباط با دکتر میلتون فریدمن به وسیله تلفن و مکاتبات شخصی برخوردار بود.

وی در مقاله‌ای با عنوان “میلتون فریدمن یک گنجینه ملی” مندرج در نشریه Grandfather Economic reports به ستایش وی پرداخته که در زیر از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

میلتون فریدمن کیست؟

دکتر میلتون فریدمن متولد ۱۵ ژوئیه سال ۱۹۱۲ برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۶ و محقق ارشد موسسه هوور (Hoover) یکی از موثرترین هواداران آزادی اقتصادی و تجارت آزاد بود. وی در ۱۶ نوامبر سال ۲۰۰۶ در سن ۹۴ سالگی در سانفرانسیسکو کالیفرنیا دار فانی را وداع گفت. فریدمن جایگزین پروفیسور پل اسنودن راسل (Paul Snowden Russell) استاد برجسته اقتصاد دانشگاه شیکاگو بود. دانشگاهی که از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۷۶ در آن تدریس می‌کرد، ضمن آنکه از سال ۱۹۳۷ تا ۱۹۸۱ عضویت هیات علمی دفتر ملی تحقیق اقتصاد را نیز در اختیار داشت.

از میلتون فریدمن کتب و رساله‌های متعددی بجای مانده که اهم آنها عبارتند از: نظریه مصرف، حد مطلوب پول، و ... تاریخ پولی آمریکا (متفقاً با آقای AJ ChwartzS)، آمارهای پولی آمریکا و سیر تحول پولی در ایالات متحده آمریکا و انگلیس.

فریدمن مدرک کارشناسی را در سال ۱۹۳۲ از دانشگاه Rutgers و فوق لیسانس را در سال ۱۹۳۳ از دانشگاه شیکاگو و دکترای خود را (PHD) در سال ۱۹۴۶ از دانشگاه کلمبیا اخذ نمود. وی درجات علمی

به اندازه نیمی از درآمد ملی ماست. به حکم تجربه و به رغم برخی موفقیت‌ها، ما بیشتر در مقام بازنده بوده‌ایم. اما به اعتبار برخی اظهار نظرها، ما در موقعیت برنده ایستاده‌ایم. مردم ایالات متحده آمریکا تشخیص داده‌اند که دولت یک درمان‌گر جامع برای همه بیماری‌ها نیست.

اینک رشد دولت متوقف شده و به نظر می‌رسد که بخشی از تصدی‌های اقتصادی دولتی در معرض کاهش قرار گرفته است. ما در بستر اندیشه و تفکر حرکت می‌کنیم. اما نه در شکل ۵۰ سال پیش که یک اقلیت مورد استهزاء بودیم (از کتاب "دو انسان خوشبخت" خاطرات رز و میلتن فریدمن).

نظرات آقای Hodges در مورد فریدمن

"دکتر فریدمن یک اقتصاددان پشت میزنشین نبود. وی علاوه بر آنکه در دانشگاه‌های بزرگ به‌عنوان استادی برجسته تدریس می‌کرد، نویسنده تحقیقات اقتصادی مهم بود. بطور گسترده‌ای به خارج مسافرت می‌کرد و به ایراد سخنرانی می‌پرداخت. اگر گستره مسافرت‌های او را از چین به هندوستان به روسیه و تا انگلستان بشماریم، حق مطلب را ادا نکرده‌ایم. دامنه دانش او بیش از بسیاری از اقتصاددانان مشهور بود زیرا وی علاوه بر آشنایی با تئوری، آگاهی‌های عملی نیز کسب کرده بود. او به مراکز صنعتی، انبارهای میوه، گمرک راه آهن و بالاترین ادارات سیاسی و صنعتی در جهان مراجعه و با هر کس در هر سطحی دیدار می‌کرد و با کسب عقایدشان دستمایه منحصر به فردی از جهان واقعی برای خلق آثارش فراهم می‌ساخت. کمتر کسی است نپذیرد که امروزه بیشتر ملل جهان مزیت‌های بازار آزاد و دولت محدود را بیش از گذشته درک کرده‌اند، حتی آنهایی که مدت‌های طولانی در پس پرده آهنین بوده‌اند.

به نظر آقای Hodges تاثیر میلتن

فریدمن در تشخیص بیش از پیش جهان از ضرورت بازارهای آزاد، تجارت و دولت محدود (همچنین آنچه به فروریزی دیوار برلین منجر شد) او را نزدیک به صدر فهرست کسانی قرار می‌دهد که بیشترین نقش را در این تحول داشته‌اند. وجود وی در چین راهگشای تلاش ملت در ساخت بازارها برای اولین بار در تاریخ این کشور بود. تاثیر او در آمریکا و اروپا نیز کاملاً روشن است.

میلتن فریدمن: همانطور که بارها گفته‌ام، من دولتی را که یک تریلیون دلار هزینه می‌کند و نیم تریلیون دلار کسری دارد، به دولتی که دو تریلیون دلار خرج می‌کند اما کسری بودجه ندارد، ترجیح می‌دهم.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاثیر دکتر میلتن فریدمن در آمریکا در دوره ریاست جمهوری رونالد ریگان به نحو بیشتری آشکار بوده است زیرا رشد دولت (به ویژه اجزاء فدرال) برای اولین بار از زمان پایان جنگ جهانی دوم، از پیشی گرفتن بر رشد اقتصاد عمومی باز ایستاد و از آن پس تا کنون روند دخالت دولت در اقتصاد بجز در دوران کوتاه ۹۴-۱۹۹۳ به حد پیشین باز نگشت (اگر چه توسعه دولت و رشد کارکنان دولت‌های محلی با نرخ سریعتری نسبت به رشد جمعیت ملی و نیازها ادامه دارد). لازم به ذکر است که در سال ۱۹۸۰ رونالد ریگان، میلتن فریدمن را برای تشکیل کمیته هماهنگی سیاست‌های اقتصادی منصوب کرد. این کمیته به ریاست جورج

شولتز (George Shultz) تدوین یک برنامه عملیاتی را بلافاصله پس از انتخاب ریگان بعهده گرفت.

درست پس از انتخاب ریگان، فریدمن و شولتز استراتژی اقتصادی دولت ریگان را طراحی کردند. وی برنامه‌ای که دولت جدید تایید کرد و آنچه توصیه شده بود را بدرستی اجرا نمود. فریدمن سپس به عضویت هیات مشاوران سیاست‌های اقتصادی رییس‌جمهور (PEPAB) درآمد و اغلب ملاقات‌های طولانی مدتی با شخص رییس‌جمهور در خصوص هدایت برنامه‌های اقتصادی انجام می‌داد.

فریدمن در خاطراتش می‌گوید: "ریگان نسبت به دیدار و شرکت در PEPAB بسیار علاقمند بود و با آگاهی از سیاست‌های پولی آماده بود تا هر بحران سیاسی را در نتیجه یک اقدام عملی قوی تحمل کند" فریدمن مایل نبود افکار خود را فقط در کلاس درس یا در جمع هم‌تایان خود یا رهبران عالی رتبه در میان بگذارد بلکه او می‌خواست افراد معمولی از وی بشنوند، یاد بگیرند و مقایسه کنند و سپس برای خود تصمیم بگیرند. لذا او و همسرش رز (Rose) یک پروژه شخصی تحت عنوان "آزادی برای انتخاب" را در رادیو، تلویزیون و رسانه‌ها که میلیون‌ها بیننده داشت، ارائه نمودند. به رغم بسیاری از اقتصاددانان که اصولاً با دنیای ارقام و مقالات دانشگاهی بسنده می‌کنند، فریدمن به قلب مسایل مهم نفوذ می‌کرد. وی علاوه بر موضوع اندازه دولت و بازارهای آزاد که مورد تاکیدش بود، دغدغه خود را نسبت به کاهش کیفیت آموزش مدارس دولتی آمریکا در قیاس با گذشته اعلام داشت. او اولین کسی بود که از بحث انتخاب اصلی (شکل نهایی خصوصی سازی) به عنوان یک شوک بر مشکلات دولتی حمایت کرد و حتی امروزه انعکاس آن عمیق و گسترده است، فرایندی که به نظر می‌رسد هم اکنون در همان مسیر در حرکت است.

